

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال هفتم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۶
صفحات ۷۷ - ۹۶

راز کاوی مهاجرت علی بن محمد باقر علیه السلام به کاشان و پیامدهای آن*

فاطمه سادات علوی علی آبادی^۱

محمد سپهری^۲

سید علیرضا واسعی^۳

چکیده

هجرت آدمیان به سرزمین دیگر، با انگیزه‌هایی مختلف صورت می‌گیرد؛ اما در فرهنگ اسلامی بر دو عنصر بیشتر تأکید شده است؛ آموختن دانش و اصلاح جامعه. بیشترین هجرت پیشوایان و بزرگان مذهبی، به سائقه دوم بوده است؛ هرچند گریز از فشارهای سیاسی اجتماعی یا پیدا کردن مکانی بهتر و امن‌تر برای زندگی، از نظر دور نیست. در میان هجرت‌های تبلیغی نیز برخی جنبه مبارزه با اندیشه‌ها یا اقدامات غیراسلامی را در دستور کار داشته‌اند که از ارزش بیشتری برخوردار است. مهاجرت ابوالحسن علی، فرزند امام باقر علیه السلام به کاشان، از جمله مهاجرت‌هایی است که به نظر می‌رسد بیشتر با انگیزه اخیر رخ داده و تأثیری مناسب در منطقه گذاشته است و از این‌رو، شایسته بررسی و واکاوی است. وی به درخواست مردم کاشان از امام باقر علیه السلام و به عنوان نماینده آن حضرت، در درجه نخست برای ترویج اندیشه‌های بنیادین شیعی در منطقه هدف و در مرتبه بعد، جلوگیری از پیشرفت کار و نفوذ اندیشه‌های بیگانه در منطقه، هجرت کرد. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد که اوضاع فرهنگی و تمدنی کاشان در این تصمیم‌گیری

* این مقاله، برگرفته از رساله دکتری «علل، انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت امامزادگان به ایران، در قرون نخستین اسلامی؛ از ابتدا تا پایان قرن پنجم هجری» است.

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی و دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی. fsalavi2014@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (عهده‌دار مکاتبات). sepehran55@gmail.com

۳. دانشیار گروه هنر و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. vaseiali@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۱۹

بی‌تأثیر نبوده است. او در مسیر تحقق مأموریت، فعالیت‌هایی قابل توجه انجام می‌دهد که می‌تواند الگوی زیست شیعی به شمار آید؛ چنان‌که مهاجرتش چه در زمان حیات و چه پس از آن، آثار و پیامدهایی درخور داشته است. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش، نشان‌دادن انگیزه و پیامد هجرت ابوالحسن علی‌بن‌محمد باقر علیه السلام به کاشان است، با این فرضیه که هجرت وی، در پی درخواست مردم منطقه از یک‌سو، وجود بستر مناسب از سوی دیگر و با انگیزه ترویج دین و مبارزه با بدکیشان از دیگرسو بوده است.

واژگان کلیدی

علی‌بن‌محمد باقر علیه السلام، امامزادگان، مهاجرت، کاشان، یهودیان.

پیشینه تحقیق

به رغم اهمیتی که امامزادگان در ایران دارند، مطالعه روشمند و پژوهش علمی درباره آنان، هم‌چنان در ابتدای مسیر قرار دارد. امامزاده علی نیز از این دست است. نگاهی به نوشته‌های موجود، نشان می‌دهد که در خصوص ایشان اثری تحلیلی پدید نیامده و آن‌چه تألیف شده، در حد تأیید نسب و ذکر زیست‌نامه عمومی وی است. از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های «تذکره سلطان علی»، «خورشید اردهال» و «سفر اردهال» اشاره کرد؛ اما واکاوی هدف و پیامدهای مهاجرت وی، مورد توجه قرار نگرفته است. این نوشته می‌کوشد در حد توان و داده‌های تاریخی و کتب سیره و... به این نکته بپردازد.

مقدمه

مهاجرت علی‌بن‌محمد باقر علیه السلام به کاشان، نقطه عطفی در تاریخ این منطقه به شمار می‌رود. مرقد این امامزاده، امروزه خاستگاه عقیدتی و سیاسی شیعیان است و این رویکرد ارادتمندانه، هر سال در مراسم باشکوه قالی‌شویان، در دومین جمعه مهرماه، متجلی می‌گردد. اخبار فراوانی از نسبت برخی مزارات کاشان با امامزادگان وجود دارد که رسیدن به درستی برخی از آنها، کمی دشوار می‌نماید؛ با این حال، تردیدی در حضور و اقامت و شهادت علی‌بن‌محمد علیه السلام در اردهال کاشان نیست؛ چنان‌چه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی، به سرداب امامزاده مشرف شدند و جنازه یاران شهید علی‌بن‌محمد باقر علیه السلام را سالم و باطراوت مشاهده نمودند.

با توجه به اثرات مادی و معنوی که بر این واقعه مترتب است، سؤال اصلی را

می‌توان چنین مطرح نمود که انگیزه مهاجرت علی بن محمد باقر علیه السلام به کاشان چه بوده است؟ در این پژوهش، متون تاریخی به عنوان متون اصلی و منابع روایی، حدیثی و نسب‌نگاری، به عنوان متون مرتبط با موضوع مقاله، بر اساس روش تحلیل تاریخی مفهومی و متنی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند تا انگیزه و پیامدهای مهاجرت علی بن محمد باقر علیه السلام به کاشان، به تصویر کشیده شود.

شخصیت و مهاجرت علی بن محمد

شاید امروزه پژوهنده‌ای در نسب ابوالحسن علی و پیوندش به امام محمد باقر علیه السلام تردیدی نداشته باشد؛ اما بر اساس مستندات تاریخی، وی از فرزندان بلافصل امام باقر علیه السلام است. منابع بسیاری بر این نکته تأکید کرده و به صراحت بر انتساب بی‌واسطه‌اش به آن حضرت سخن گفته‌اند.^۱ شیخ مفید، وی را جزء فرزندان امام پنجم آورده است (شیخ مفید، ۴۶۴). اهمیت ایشان، صرفاً در امامزادگی‌اش خلاصه نمی‌شود. شیخ طوسی، او را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته است (شیخ طوسی، رجال، ۲۴۴). علی بن محمد علیه السلام که در فرهنگ و محاوره‌های امروزی به سلطان‌علی شناخته می‌شود، دارای نسلی ماندگار است. وی دختری به نام فاطمه داشت که مادرش ام‌ولد بود و بعدها این دختر به همسری امام موسی کاظم علیه السلام هفتمین پیشوای شیعه درآمد (زبیری، ۶۴) که در باور شیعی، چنین پیوندی اهمیت ویژه‌ای دارد. برخی محققان، امامزاده احمد، مدفون در محله باغات اصفهان (بحرانی، ۳۴۲؛ حسینی زرباطی، ۱۴۳) را که مورد توجه باورمندان مذهبی است، فرزند دیگر وی دانسته‌اند.

ابوالحسن علی نزد بزرگان فقه و حدیث تشیع و تسنن، به عنوان یکی از اعظام اولاد امام باقر علیه السلام (النمازی الشاهرودی، ۴۳۸-۴۳۹) و صاحب کرامات آشکار و جامع فضائل (الشبستری، ۴۲۳/۲) و نیز یکی از رجالیون عصر صادقین علیهم السلام به‌شمار آمده است

۱. کتاب «نسب قریش»، کتاب «جمهره الانساب العرب»، کتاب «النقض»، کتاب «نهایه الانساب»، کتاب «تذکره الانساب»، کتاب «لباب الانساب»، کتاب «منتخب التواریخ»، کتاب «عمده الطالب الکبری»، کتاب «ریاض العلماء»، کتاب «المجدی فی انساب الطالبیین»، کتاب «مشجرات»، کتاب «تاریخ قم»، کتاب «مجالس المؤمنین»، کتاب «مزارات علویین»، کتاب «غایه الاختصار»، کتاب «منتهی الامال»، کتاب «جنات الخلود»، کتاب «بحار الانوار»، کتاب «نور باهر» و... از کتاب‌هایی هستند که نام و نسب این امامزاده جلیل‌القدر در آنها ثبت و ضبط شده است (رک: فرخ‌یار، ۱۳۶۹).

(اردبیلی، ۶۰۰/۱). با جست‌وجو در کتب حدیثی، نام او را در پاره‌ای از روایات می‌توان دید؛ از جمله:

«قد روی عن علی بن محمد الباقر علیه السلام أنه سئل عما يقوله الناس أن أباطالب في ضحاح من نار، فقال لو وضع إيمان أبي طالب في كفه ميزان وإيمان هذا الخلق في الكفه الأخرى لرجح إيمانه. ثم قال: ألم تعلموا أن أمير المؤمنين علياً عليه السلام كان يأمر أن يحج عن عبدالله وأبيه أبي طالب في حياته، ثم أوصى في وصيته بالحج» (ابن أبي الحديد، ۶۸/۱۴).

همچنین در سلسله روایات دیگری، نام وی دیده می‌شود که اثبات انتساب آنها، نیازمند پژوهشی جداگانه است. برای نمونه در «الکافی» چنین آمده است:

«علی بن محمد رفعه قال قيل لأبي عبدالله عليه السلام لم صار الرجل ينحرف في الصلاة إلى اليسار فقال لأن للكعبة ستة حدود أربعة منها على يسارك واثان منها على يمينك فمن أجل ذلك وقع التحريف على اليسار» (کلینی، ۴۸۷/۳)

واژه «علی بن محمد» بیش از ۵۰۰ بار در اسانید روایات کافی ذکر شده است و عنوان مشترک بین علی بن محمد بن بندار و علی بن محمد بن ابراهیم و علی بن محمد بن الاشعث و علی بن محمد الحضینی و علی بن محمد العلوی و علی بن محمد القاسانی و القاشانی و علی بن محمد الهرمزان و... است و به نظر می‌رسد تشخیص و تمیز میان آنها، نیاز به بررسی روایات و راویان آنها دارد (الغفاری، ۴۹۷-۴۹۸).

سلطان علی بر اساس اطلاعات تاریخی، به دیار کاشان کوچید و تا پایان عمر در آن جا زیست. در تذکره خطی مربوط به سال ۹۳۳ ه.ق، شرح آمدن وی به کاشان و توجه شیعیان به او تا چگونگی شهادتش آمده است؛ هرچند پیش از آن گزارش روشنی در دست نیست.^۱ افرادی همچون خوانساری، شوشتری، بحر العلوم، شیخ عباس قمی و... برابر داده‌های پیشین، به نام ابوالحسن علی و مدفن او در بارکرس^۲ در ناحیه کاشان

۱. قدیمی‌ترین تذکره موجود که شامل شرح حال امامزاده و بارانش است، در سال ۹۳۳ ه.ق تألیف شده است و در آستانه مقدسه امامزاده نگهداری می‌شود. این رساله را نخستین بار ملا عبدالرسول مدنی (۱۲۸۰-۱۳۶۶ ه.ق) از علمای کاشان، با مقدمه‌ای که بر آن نوشت، به چاپ رسانده است. این اثر بارها تجدید چاپ شده است (رک: مدنی، ۱۴۰۳).

۲. بارکرز، بارکرسف یا بارکرسب نیز ذکر شده که همان «مشهد اردهال» کنونی است و صحیح آن، «اردهار» است.



اشاره کرده‌اند (خوانساری، ۲۱۲/۴؛ شوشتری، ۸۷/۱؛ آل بحر العلوم الطباطبایی، ۱۰/۲؛ قمی، الکنی و الالقاب، ۵/۲؛ همو، منتهی الامال، ۷۴۳-۷۴۴). عبدالرزاق کمونه در کتاب «مشاهد العتره الطاهره واعیان الصحابه والتابعین»، علمای دیگری را نیز نام برده است که در آثار خود، به شخصیت ابوالحسن علی و فرزندانش پرداخته‌اند (کمونه حسینی، ۱۷۷-۱۷۸).

در تذکره امامزاده علی چنین آمده است که ایشان ابتدا در قریه جاسب فرود آمد و پس از چند روز، به قریه خاوه رفت و بعد از گذشت یک ماه، وارد شهر کاشان شد. او مدت سه سال در منطقه کاشان و فین به امر ارشاد و حل مشکلات مردم مشغول بود. اقامه نماز جمعه در مسجد جامع کاشان، موجب تجمع مردم از اطراف و اکناف برای شنیدن خطبه‌های آن جناب می‌شد. او در فصل تابستان به دعوت اهالی خاوه، به آنجا می‌رفت و به هدایت شیعیان می‌پرداخت. در این مدت، مردم کاشان، قم و دهات آن، همه‌روزه و به ویژه جمعه‌ها، برای اقامه نماز جمعه با وی حضور می‌یافتند (رک: نسخه خطی تذکره علی بن محمد الباقر علیه السلام، ۹۳۳ ه.ق). واضح است که از وظایف مهم خطیب جمعه، آگاه کردن مردم از امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زمانه است که وی نیز چنین می‌کرد و در نهایت، آن جناب به دست دشمنان گرفتار آمد.

از عبارات تذکره امامزاده، چنین به برداشت می‌شود که سلطان علی و همراهانش، در روز ۲۷ جمادی الثانی سال ۱۱۶ ه.ق، پس از اقامه نماز جمعه، در نبردی نابرابر در دربند ازناوه به شهادت رسیدند. خیر جنگ امامزاده با اشرار، موجب شد تا شش هزار نفر از مردم چهل حصاران^۱ و فین، به سوی اردهال روانه شده تا او را یاری کنند؛ اما موفق به نجات وی نشدند. در نهایت پس از متواری کردن دشمنان، به بالین شهیدان رفته و عده‌ای را در محل قتلگاه، عده‌ای را در خاوه و عده‌ای را در کنار امامزاده (محل کنونی مزار که بنا به وصیت ایشان در نظر گرفته شده بود)، به خاک سپردند. از آنجا که فاصله دربند ازناوه تا محل دفن، طولانی بود و پیکر بی‌سر و قطعه‌قطعه شده امامزاده، قابل حمل نبود، مردم پیکر او را در یک قالی نهادند و به سوی محل دفن حرکت کردند و در محل کنونی بقعه، به خاک سپردند (رک: نسخه خطی تذکره علی بن محمد

۱. نام قدیم کاشان.

الباقر علیه السلام، ۹۳۳ ه.ق).

گذشته از نقش بیان شده، دو عامل دیگر در مهاجرت ابوالحسن علی قابل پی جویی است: ترویج اندیشه‌های بنیادین شیعی؛ و زمینه مساعد تاریخی - تمدنی کاشان.

الف) ترویج اندیشه‌های بنیادین شیعی

در آغاز دوره امامت حضرت باقر علیه السلام، جامعه اسلامی در وضع فرهنگی - سیاسی نابسامانی به سر می برد. عرصه فرهنگی جامعه اسلامی، درگیر چالش‌های عمیق عقیدتی و تنش‌های مختلف فقهی میان فرق اسلامی شده بود. در عرصه سیاسی، بسیاری از دانشمندان، مغلوب حاکمان سیاسی بنی امیه شده و از صحنه سیاست کنار کشیده و عمده تلاش خود را متوجه زمینه‌های مختلف علمی نموده بودند. امام باقر علیه السلام درباره تنگناهای سیاسی عصر خویش و لزوم احقاق حق ولایت و خلافت خود و خاندانش فرمود: «مثل ما در میان امت، مانند بنی اسرائیل است که طاغی زمانشان، پسران آنها را می کشت و زنانشان را زنده می گذاشت...» (طوسی، الأمالی، ۱/۱۵۴). آن حضرت، به رغم شرایط نامساعد عصر، آغازگر نهضت علمی بزرگی شد که پویایی و عظمت آن، در دوران امام صادق علیه السلام به اوج رسید. در این میان، بررسی فهرست نام ایرانیان مرتبط با مکتب امام باقر علیه السلام، بیان گر آن است که همه آنان شیعه نبوده‌اند (ذهبی، ۱۲۴) و نیز مؤید آن است که تشیع به تدریج و با گذشت زمان از طریق آموزش‌های امام باقر علیه السلام، گفتمانی مستقل برای اظهار آرمان‌ها و عقاید خویش در ایران به وجود آورد (مدرسی طباطبایی، ۶۷). از مهم‌ترین آثار جهاد علمی و فرهنگی امام محمد باقر علیه السلام در عصر اوج گیری فتنه‌های اموی و عباسی، می توان «احیای اندیشه مهدویت» و «ختی سازی توطئه‌های یهود» را برشمرد.

۱. احیای اندیشه مهدویت

یکی از مسائل مهم و پرروایت در جوامع روایی شیعه، مقوله مهدویت است. بسامد روایات در این خصوص بسیار چشمگیر است. از امام باقر علیه السلام نیز روایات زیادی در این خصوص نقل شده است (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸). وقتی هشام بن عبدالملک، خلیفه اموی (۱۰۵-۱۲۵ ه.ق) امام باقر علیه السلام را به شام احضار کرد، امام در حضور خلیفه و جمع درباریان، پس از بیان موقعیت و پیشینه خاندانش و نیک فرجامی راه خود



فرمود: «... خداوند گذشتگان شما را به وسیله ما هدایت نمود و به دست ما نیز، مَهر پایان بر کار شما خواهد زد. اگر شما را امروز دولت مستعجل است، ما را دولتی پایدار خواهد بود و پس از دولت ما، کسی را دولت نیست. ماییم اهل عاقبت، که خداوند فرمود: عاقبت متعلق به اهل تقوی است» (کلینی، ۴۷۱/۱).

نوید آینده دلخواهی که چندان هم دور نیست، از مهم‌ترین شیوه‌های امیدبخش امام باقر علیه السلام بود: «... اگر بر این انتظار بمیری، بر پیامبر صلی الله علیه و آله، علی، حسن، حسین و علی بن الحسین علیهم السلام فرود می‌آیی... و اگر زنده بمانی، در همین جهان روزگاری را خواهی دید که چشم تو روشن شود و در آن روزگار با ما و در کنار ما برترین جایگاه را خواهی پیمود...» (همو، ۷۶/۸). بیاناتی از این قبیل، تشکیل نظام اسلامی و حکومت علوی را در آن محیط پر از اختناق، به صورت آینده‌ای محتوم و تخلف‌ناپذیر درآورده بود.

تأکید بر تشکیل حکومت مهدوی که مایه امید و خوش‌بینی آدمیان به آینده زندگی است، در کلام امام تجلی بارزی داشته است؛ اما انتقال آن به سرزمین‌های دیگر، از جمله ایران که زمینه مناسبی برای مهدویت داشت، در اولویت بود. امام، مهدویت‌گرایی ایرانیان را به خوبی به تصویر می‌کشد که چگونه در پی تحقق آن می‌کوشند و حتی شمشیر به دست می‌گیرند، قیام می‌کنند و تا شهادت پیش می‌روند. سپس می‌فرماید: «هان آگاه باشید! اگر من آن زمان را درک کنم و زنده باشم، خودم را برای صاحب این امر آماده می‌کنم و ابقا می‌نمایم» (نعمانی، ۱۸۲). این زمینه، فرصت مناسبی را برای حضور سلطان علی فراهم ساخت تا به ترویج بیشتر و صحیح اندیشه مهدویت بپردازد. با توجه به پیشینه سوءاستفاده از آموزه مهدویت در فرقه کیسانیه (نوبختی، ۲۶) و سپس در بین اولاد عباس بن عبدالمطلب (همو، ۳۰-۳۶) و همچنین بعضی از نوادگان امام مجتبی علیه السلام در مقابله با عباسیان (البلاذری، ۷۸/۳؛ ابوالفرج الاصفهانی، ۲۱۷)، به نظر می‌رسد که حضور سلطان علی به عنوان نماینده عصر صادقین که آغازگر آموزه‌های مهدویت در بین شیعیان بوده‌اند (رک: غنوی، ۱۳۹۲) تأثیر نمایانی در ارائه معارف مهدوی و آخرالزمانی و زمینه‌سازی برای جلوگیری از آفات بحث مهدویت و پیشگیری از ترویج انحرافات در فرهنگ شیعیان کاشان و حومه داشته است. قزوینی رازی، مردم

کاشان را شیعیانی ملتزم به فرهنگ انتظار توصیف می‌نماید (قزوینی رازی، ۴۷۱) و یاقوت حموی، به نقل از کتاب «فرق الشیعه» اثر احمد بن علی بن بابیه کاشی (از علمای قرن پنجم و متوفی ۵۰۰ ه.ق) می‌نویسد: «در کاشان گروهی از خاندان علوی هستند که به انتظار ظهور قائم آل محمد علیه السلام هر روز صبح سوار بر اسب شده با شمشیرهای کشیده از شهر بیرون می‌روند، مثل این که خبر ورود امام به آنها رسیده است؛ و چون آفتاب برآمد و از آمدن امام خبری نشد، با اظهار تأسف بازمی‌گردند تا روز دیگر که دوباره بدین نحو قیام کنند (یاقوت حموی، ۲۹۶/۴).

۲. ختنی نمودن توطئه‌های یهود

ابن حوقل بر اساس داده‌های روایی اشاره می‌کند که وقتی یهودیان در سال ۵۸۷ قبل از میلاد، توسط بخت‌النصر از بیت‌المقدس رانده شدند، با خود کمی آب و خاک برداشتند و بی‌توقف پیش رفتند تا به شهر اصفهان درآمدند (ابن حوقل، ۱۱۰) و در این شهر سکونت یافتند و نسل آنها در این منطقه - که به نام خودشان، یهودیه نامیده شده است - گسترش یافت. در عصر فتوحات، با آن که یهودیان مجبور به پرداخت باج و خراج به اعراب بودند؛ اما در قلمرو خلافت اسلامی، در صلح و رفاه زندگی کرده و برای خود، سازمان منظم و دادگاه‌های مخصوصی داشتند و رش گالوتا یا سرپرست گالوتیان، رهبری ایشان را برعهده داشت. آنان همان گونه که در اولین سال‌های حکومت ایرانیان زیسته بودند، به صورت یک جامعه یهودی آزاد، زندگی می‌کردند. در قلمرو مسلمین، موقعیت تازه‌ای برای عالم یهود به وجود آمد و امور معنوی و مادی یهود، بسط و توسعه یافت (رک: ابابان، ۱۷۷-۱۸۷).

شهر کاشان نیز به عنوان یکی از شهرهای مهم اصفهان، از دیرباز یهودیان را در خود جای داده بود و قدمت حضور یهودیان در کاشان به پیش از اسلام می‌رسید. البته این حضور همراه با رفت و آمدهای گروه‌هایی از یهودیان برون‌مرزی و درون‌مرزی توأم بوده است. چنان که به ادعای برخی علمای یهود (گوئل، ۴۴)، کاشان با دربرداشتن شماری از مدارس علمیه (یشیوا) و مکتب‌های سنتی الهیات یهود، با مردمی به شدت باورمند، به عنوان اورشلیم کوچک (بروشالائیم قاطان)، مورد استناد قرار می‌گرفته است. حضور تعداد قابل توجه کنیسه‌ها در جاهای مختلف محله کلیمیان کاشان، می‌تواند نشان‌گر



حضور آنان در کاشان در طول زمان باشد (Fischel, 2007, vol.15, p.789). تحقیقات جدید شهرشناسی نیز گویای قدمت تاریخی محله کلیمیان کاشان است (بیرشک، ۳/۳۸۴). در دهات اطراف، کم‌وبیش، اکثریت با یهودیان بوده است و فشار، تهدید و کشتار، در نهایت منجر به تغییر اجباری دین شده است. گفته می‌شود بخش عمده اهالی کنونی کاشان و نواحی اطراف آن، مانند بیدگل، آران، نوش‌آباد، ایبانه، برزک و بخش‌هایی از شهرستان‌های نطنز و قم، از جمله همان یهودیان هستند (گوئل، ۵۴-۵۵). از سوی دیگر، شواهد تاریخی گویای حضور «یهود مخفی» در کاشان است. خاخام یدیدیا شوفت^۱ چنین نقل کرده است که پدرش روزی به آران رفته و پیرمرد مسلمانی که با او آشنایی داشته است، در خانه خودش اظهار داشته: «ما اجدادمان یهودی بوده‌اند و بالای خانه، اتاقی داریم که کتاب مقدس شما، طبق وصیت‌نامه اجدادی، در آن محفوظ و مورد احترام ماست». در پشت کتاب «شاهین تورا»^۲ که به دست یهودیان افتاد، درباره ولادت افراد خانواده، نوشته‌هایی دارد که هریک دو اسم دارند؛ مثلاً مقابل سارا، فاطمه و مقابل شموئل^۳، حسین و الی آخر (لوی، ۳/۵۲۱).

در ایام خلافت یزید بن عبدالملک (۱۰۱-۱۰۵ ه.ق) که محدودیت‌های دوره عمر بن عبدالعزیز (۹۹-۱۰۱ ه.ق) بر یهودیان ادامه یافت، یک نفر یهودی اهل سوریه موسوم به سرن^۴ که احساس می‌کرد یهودیان از تجدید اجرای مقررات محدودیت عمر بن عبدالعزیز به تنگ آمده‌اند، قیام نمود و عده زیادی از یهودیان را دور خود جمع نمود و ادعا کرد یهودیه^۵ را مستقل و به حکومت یزید در آن ناحیه، خاتمه خواهد داد. سرن در بین یهودیانی که از حجاز به یهودیه و اطراف مهاجرت کرده بودند، نفوذ یافت و چون ملاحظه کرد اجرای مقررات تلمودی مانع معاشرت یهودیان با خارجی‌ها

۱. Yedidia Shofet.

۲. شاعر یهودی که تورات را به نظم درآورده است.

۳. Shamuel.

۴. Sérne.

۵. محله‌ای یهودی‌نشین در اصفهان است که ساکنان آن در عصر بعثت، سمت رهبری معنوی یهودیان جهان را داشتند.

۶. در آن زمان، کاشان جزء اصفهان بود و با توجه به قدمت یهودیان در کاشان، مهاجرت این دسته از یهود به کاشان، بعید نیست.

می‌باشد و به این ترتیب نمی‌توانند از تورات استدلال نمایند، درصدد لغو تلمود برآمد. به هر حال یزید دوم، به سرن فرصت نداد و غائله را ختم نمود.

پس از مرگ یزید دوم، هشام بن عبدالملک زمام حکومتی را در دست گرفت که به واسطه منازعات خونین قبیله‌ای و اغتشاش و آشوب زیاد در داخل و خارج، ارکان آن متزلزل شده بود. طوایف ترکمان و خزر به طرف شمال هجوم آورده، متعصبین خوارج با حس عدم رضایت به جوش و خروش درآمده و دعاه و مبلغین عباسی از پشت پرده برای برانداختن خاندان اموی در مشرق با تمام قوا مشغول تبلیغ بودند (سید امیر علی، ۱۴۳) و در ایران موفقیت‌هایی برای آنان حاصل شده بود؛ چراکه مردم ایران نظر مثبتی به خاندان اموی نداشتند و شقاوت‌های یزید بن معاویه و حجاج بن یوسف را به خاطر داشتند. در این زمان که نشانه‌های انحطاط بنی‌امیه آشکار شده بود، هشام با در نظر گرفتن آسفتگی اوضاع، مصلحت را در آن دید که مقررات عمر بن عبدالعزیز را نسبت به یهود لغو کند. به این منظور، کنیسه‌ها را به خرج خود مرمت نمود و مشاغل مهم را با حقوق زیاد، به یهودیان داد و این رویه را در تمامی قلمرو امپراطوری عرب اجرا نمود (لوی، ۲/۳۳۵-۳۳۶). از سوی دیگر، هشام به فرمانداران خود دستور داد نسبت به شیعه سخت‌گیری نموده و آنها را تحت فشار قرار دهید؛ آنان را زندانی نموده و آثار ایشان را محو کنید؛ خون آنان را بریزید و از حقوق عمومی محروم‌شان کنید. هشام به فرماندار مدینه دستور داد بنی‌هاشم را زندانی کند و آنان را از خارج شدن منع نماید (مغنیه، ۱۳۹). براین اساس، اعمال سیاست‌های خشونت‌آمیز از طرف خالد بن عبدالله قسری (عامل هشام در شرق خلافت)، جو اختناق و رعب و وحشت شدیدی را در عراق و ایران مرکزی ایجاد کرده بود.

فضای پرتنش و پر آشوب اواخر عصر اموی که در آن هر فرقه و گروهی به فکر منافع خویش بود، موجب شد که یهودیان ایران نیز ایده‌های جدیدی را با رهبران نوپای یهودی ابداع کنند؛ چنان‌که در سال ۱۲۹ ه. ق هم‌زمان با قیام عبدالله بن معاویه، ابو عیسی اسحاق بن یعقوب الاصفهانی^۱ در اصفهان قیام نمود (Levy, 1999, P. 172). ابو عیسی ادعا کرد که ماشیح است و پیروان زیادی در بین یهودیان پیدا کرد و مقلدین او تحت عنوان

۱. Abu Isa Isaac ben Jacob al-Isfahani.



«عیسوی‌ها»^۱ یا «اصفهانی‌ها»^۲ تا قرن دهم میلادی فعال بودند (Fischel & Netzer, 2007, Vol.10, P.80). عباسیان بود، خواست که از وجود جمعیت کثیر یهودیان اصفهان، استفاده نماید و به ابوعیسی که مردی جسور و ورزیده و آشوب‌طلب بود رو آورد و به او اطمینان داد که در صورت موفقیت و فتح، فلسطین را به وسیله خلیفه جدید، وطن یهودیان خواهد کرد و آنها را در آنجا جمع می‌نماید و ابوعیسی را رئیس و پیشوای یهود می‌گرداند (لوی، ۳۳۹/۲).

پس از شکست عبدالله بن معاویه از لشکریان شام و پناه‌بردن او به خراسان و قتل او به دست ابومسلم خراسانی، ابوعیسی اصفهانی نیز در نبرد با سربازان ابوالعباس سفاح، به هلاکت رسید و این جنبش توسط یودقان همدانی^۳ در قرن هشتم ادامه یافت. یودقان یا یهودا^۴ نیز همچون استادش مدعی بود که پیامبر پیروانش است و یودقانی‌ها باور داشتند که او ماشیح است. در این میان، جنبش ضد تلمودی عنان بن داوید^۵ که خود پیشوای بزرگی بود و از تعالیم ابوعیسی اصفهانی اثر پذیرفته بود، فرقه جدیدی به نام «قارائیم» یا «قارائیون»^۶ ایجاد نمود (المسیری، ۳۵۹/۵) که مانند آتشفشان از اصفهان، همدان، نهاوند و قم، به بصره، بغداد، دمشق، اورشلیم، اشدود، قاهره، ترکیه و روسیه گسترش یافت (Levy, 1999, P. 177).

با توجه به آن‌چه ذکر شد، دوستان اهل بیت علیهم السلام در کاشان، در اوایل قرن دوم هجری با چند مسئله مواجه بودند: نخست یهودیانی که در یهودیه زندگی می‌کردند و ظهور اسلام، بزرگی و شوکت و قدرت ایشان را به خطر انداخته بود و چه بسا به دنبال راهی برای اعاده آن مجد و عظمت دیرین بودند. حضور رهبری به نام سرن، در جمع

۱. Isavis.

۲. Isfahanis.

۳. Yudghan of Hamadan.

۴. Yehuda.

۵. Anan Ben David.

۶. Qaraiyyun.

یهودیان یهودیه و تلاش برای نابودی خلیفه اسلام، نشان از فعالیت‌های پنهان و آشکار یهودیان ایران به منظور براندازی نظام اسلامی است. آنچه در دوره خلافت هشام بن عبدالملک موجب تشدید نگرانی شیعیان منطقه کاشان گردید، آزادی بی‌حد و حصر یهودیان در جامعه اسلامی و به خصوص در منطقه کاشان و اصفهان بود که داعیه‌دار رهبری یهودیان جهان بود. آزادی یهودیان، تهدیدی جدی برای اسلام عقیدتی به شمار می‌رفت؛ تا حدی که یکی از جریان‌های فکری و فرهنگی منحرف در زمان امام باقر علیه السلام، فعالیت‌های تخریبی یهودیان در حوزه اعتقادات مسلمانان و نشر اسرائیلیات بود که آثار آن در اندیشه‌ها و نوشته‌های تفسیری و تاریخی و... باقی مانده است. فعالیت‌های تبلیغی یهودیان تا آنجا پیشرفت کرده بود که حتی دوستان و یاران حضرت باقر علیه السلام نیز تحت تأثیر روایات اسرائیلی قرار می‌گرفتند (کلینی، ۲۳۹/۴).

زمینه مساعد تاریخی - تمدنی کاشان

بر اساس کاوش‌های باستان‌شناختی، قدیمی‌ترین محل سکونت بشری که در دشت شناخته شده است، تپه‌های سیلک/سیلگ^۱ واقع در حاشیه جنوب غربی شهر کنونی کاشان است (گیرشمن، ۱۹). تحقیقات باستان‌شناسی و زبان‌شناسی جدید در مورد گزارش لشکرکشی آسره‌دون آشوری (ح ۶۷۶ ق.م) «در سرزمین مادهای دوردست، بر کرانه کویر نمک، نزدیک کوه لاجورد بیگنی...» (Herzfeld, 1935, P.10)، کوه «بیگنی» را همان «جبال کرکس کاشان» دانسته و «معدن لاجورد بیگنی» را در «حدود قمصر کاشان»، منطبق نموده است (اذکایی، ۹۲ و ۱۹۴).

شهر کاشان در سال‌های ۲۳ و ۲۴ ه.ق، هم‌زمان با قم و اصفهان به دست مسلمانان گشوده شد. برخی گزارش‌های متقدم از شروع صف‌آرایی ایرانیان در جنگ نهاوند، بیان می‌دارد که: «از مجموع صد و پنجاه هزار تن لشکریان اردوگاه ایران، بیست و پنج هزار نفر آنها از سربازان خطه کاشان و قم بوده‌اند» (ابن‌اعثم کوفی، ۱۵۸/۲). این مطلب، گویای اهمیت و آبادانی و جمعیت قابل‌توجه کاشان در اواخر دوره ساسانی است. از



۱. Sialk.



سوی دیگر، مقاومت و ایستادگی مردم کاشان^۱ در برابر سپاهیان ابوموسی اشعری و پناه‌بردن یزدگرد - آخرین پادشاه ساسانی - به منطقه کاشان^۲، گواه متقنی است بر این که در آن ایام، جامعه‌ای بزرگ و حکومتی نیرومند در نواحی کاشان مستقر بوده است.

شواهد و قرائن تاریخی، حاکی از حضور پویا و پرنشاط تشیع امامیه در کاشان، در قرون نخست هجری است. در اکتشافات سال‌های اخیر در موضع قلعه ویگل^۳، بقایای مسجدی نمایان شده است که محراب طلای آن در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود و سازنده آن حسن بن علی بن احمد بن بابویه الویدگلی بوده است و نمونه ساروجی این محراب، در بقعه امامزاده فضل بن موسی الکاظم علیه السلام در شهر محلات، اثر همین هنرمند شیعه است که در چلیپای داخل و اطراف به نام مقدس خمسه طیبه اشاره کرده است. تاریخ ساخت محراب، به خط فارسی در قسمت زیر هلالی و چلیپا نوشته شده: «فی ایام امیرالمؤمنین رضی الله عنه سنه ثلاثین» و در قسمت زیر آن چلیپایی مربع‌شکل از اسماء خمسه طیبه، شامل چهار اسم محمد، چهار اسم علی، چهار اسم فاطمه، چهار اسم حسن و چهار اسم حسین علیهم السلام می‌باشد (هاشمی تبار بیدگلی، ۳۷-۳۹). حضور این مسجد با نمادهای شیعی در ویگل، حاکی از پویایی تشیع در سده اول هجری در کاشان و مناطق اطراف آن است.

قرینه دیگر بر تشیع کاشان در سده اول هجری، نسبت قاتل عمر بن خطاب به شهر کاشان است. بنا به روایاتی که اطمینان به درستی آنها کمی دشوار است، ابولؤلؤ پس از کشتن عمر، به زادگاه خود در کاشان گریخت (خواندمیر، ۴۸۹؛ شوشتری، ۸۷/۱؛ کلانتر ضرابی، ۴۳۸). اگر بپذیریم که مقبره منسوب به ابولؤلؤ در کاشان، متعلق به ابولؤلؤ - قاتل عمر بن خطاب - است؛ یا این که مردم کاشان علاقه‌مند بودند که چنین باشد؛ به

۱. گویند ابوموسی اشعری همین که در گرفتن کاشان به واسطه مقاومت سخت و دلیرانه مردم آنجا مایوس شد، دستور داد مقداری از عقرب‌های شهر نصیبین را که در کوزه جای داده بودند به داخل شهر و میان مردم آن رها کردند و اهالی از زحمت و گزند حشره موذی به جان آمده و تسلیم گردیدند (مقدسی، ۵۸۱/۲-۵۸۲).

۲. پس از شکست نهبوند «پارسیان بی‌آنکه در جایی درنگ کنند، همین‌طور رو به فرار نهادند تا در حلوان به یزدگرد پیوستند. یزدگرد از شدت پریشانی، درمانده و سرانجام با کسان و نزدیکان و بستگان و آنچه در اختیار داشت، از حلوان حرکت کرد و به سوی قم و کاشان شتافت» (دینوری، ۱۴۱).

۳. قلعه‌ای در نزدیکی کاشان که خوارزمشاه به آن لشکرکشی نموده است (راوندی کاشانی، ۸۴).

هرحال تکریم و تعظیم ابولؤلؤ در منظر مردم کاشان و قدمت بی‌بدیل مقبره ابولؤلؤ - به عنوان اولین بنای یادبود برافراشته‌شده در ایران و در کاشان (رجبی، ۶۸) - بازتابی از تمایلات شیعی مردم این ناحیه، از همان سده نخست هجری است.

از قرائن دیگر حضور تشیع در سده اول هجری در کاشان، وجود کارگزاران شیعه و دوست‌دار اهل بیت علیهم‌السلام در این ناحیه است. عمار یاسر که مدت کوتاهی کارگزار خلیفه دوم (عمر بن الخطاب) در کوفه بود، عروه بن زید طائی را با عنوان کارگزار به ری و دیلم فرستاد و او پس از فتح مناطقی، در قم و کاشان مقیم شد (ابن‌اعثم کوفی، ۳۰۴/۲ و ۳۱۳؛ ابن‌حزم، ۴۰۴). به نقل بلاذری در انساب الاشراف، مالک اشتر پس از اخراج سعید بن عاص اموی - کارگزار عثمان در کوفه - افرادی از جمله عروه بن زید طائی - از ارادتمندان و صحابی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و یاور آن حضرت در نبرد صفین (ابن‌حجر عسقلانی، ۴۰۴/۴) - را به مناطق یادشده فرستاد (البلاذری، ۵۳۵/۵). از سوی دیگر، نام برخی راویان حدیث کاشانی، منسوب به سده اول هجری، در گزارشات تاریخی ثبت شده است. فردی به نام یزدویه بن ماهویه در جریان فتوحات، اسیر و سهم عبدالله بن عباس شد و عبدالله نامش را به وثاب تغییر داد. وثاب، پس از دو سال به کاشان بازگشت و فرزندش یحیی، در کوفه اقامت گزید و از پیشوایان علم قرائت گردید (سمعانی، ۲۸۴/۱۳؛ ابوالشیخ، ۲۹۶/۱ و ۳۳۳).

از شواهد تاریخی حضور تفکر شیعی در کاشان در سده دوم هجری، آن است که مردم کاشان پس از امام سجاد علیه‌السلام، پیروی از فرزند ارشد او، محمد باقر علیه‌السلام را برگزیدند و از وی تقاضا نمودند نماینده‌ای از جانب خود برای رهبری و پیشوایی آنان به کاشان اعزام نماید (رک: تذکره امامزاده، ۹۳۳ ه.ق).

با توجه به مطالب فوق و به پشتوانه دوستی و محبت کاشانی‌ها نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام و به دلیل خطر جدی که از ناحیه یهود در مناطق مرکزی ایران و به خصوص اصفهان و قم و کاشان، موجودیت سیاسی - عقیدتی اسلام و به خصوص شیعیان را تهدید می‌نمود، چنین استنباط می‌شود که امام باقر علیه‌السلام برای تبلیغ اسلام و ارشاد مردم و پاسخ‌گویی به احساسات ارادتمندانه شیعیان به ساحت اهل بیت علیهم‌السلام و دفع خطر فتنه‌های یهود، فرزند خود - علی بن محمد باقر علیه‌السلام - را به این منطقه گسیل

نموده است.

(ب) پیامدهای مهاجرت علی بن محمد باقر علیه السلام به کاشان

شناسایی پیامدهای مهاجرت و فعالیت امامزاده علی، در دو سطح قابل بیان است؛ یکی پیامدهای معطوف به حضور آن جناب و دیگری آن چه پس از درگذشتشان رخ نمود. اما در زمان حضور، نقش تأثیرگذار ایشان در ایجاد وحدت بین شیعیان منطقه و حفظ ارزش‌های اسلامی و خنثی نمودن فعالیت‌های ضداسلامی برخی اقلیت‌های دینی، همچون یهود، قابل ذکر است. چنان‌که بیان شد، در دوره حضور ایشان در کاشان، یهودیان نتوانستند اقدام آشکار سیاسی و اجتماعی داشته باشند؛ در حالی که قبل و بعد از او، خیزش‌های یهودی در اصفهان و قم، آشکارا دیده می‌شود. شاید به دلیل همین نقش بازدارندگی بود که والی قم، با ارسال نامه‌ای، ارقم شامی را فرمانده لشکر ششصد نفری قرار داد و از طرف دیگر کارگزار نراق را با نامه‌ای جداگانه به کمک ارقم شامی فرستاد و زرین کفش، کارگزار اردهال را از تصمیمات گرفته شده، مطلع ساخته و بالاخره دستور کشتن سلطان‌علی را صادر نمود (رک: تذکره امامزاده، ۹۳۳ ه.ق).

اما قتل سلطان‌علی، موجب گردآمدن شیعیان منطقه شد. آنان هر سال در روز شهادتش، در محل امامزاده تجمع نموده و مقام وی را ارج می‌نهند. برگزاری مراسم آیینی قالی‌شویان در جوار امامزاده علی بن محمد باقر علیه السلام، از مهم‌ترین پیامدهای فرهنگی اجتماعی مزار آن جناب در منطقه اردهال است. در این مراسم که هر ساله در دومین جمعه مهرماه، با حضور هزاران نفر از ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام از شهرهای مختلف ایران برپا می‌گردد، قالی مخصوص که نمادی از شهادت خونبار شهید دشت اردهال است، با ندای «یا حسین، یا حسین» توسط جوانان، به صورت نمادین شسته می‌شود و دوباره به آستانه امامزاده برگردانده می‌شود. طبق تذکره موجود در زیارتگاه، شباهت فراوانی بین واقعه شهادت این امامزاده و واقعه عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام وجود دارد و اعلام برائت از قاتلان امامزاده، همراه با شور حسینی در قالی‌شویان و برگزاری مجلس سوگواری ابا عبدالله علیه السلام در محل امامزاده، گواه نوعی همبستگی و وحدت شیعیان است،

که گاه تداعی وجهه سیاسی، یعنی مبارزه با ظلم - هیهات من الذله - می‌کند که در طول تاریخ استمرار داشته و دارد. اهمیت جهانی این مراسم در حدی است که یونسکو آن را در فهرست میراث فرهنگی ناملموس، ثبت نموده است (حسینی، خیزش قالی شورون، ۵۶). بی‌گمان چنین آیینی، بستری برای ترویج سنت‌های شیعی و گسترش فرهنگ مذهبی فراهم می‌سازد؛ چنان‌که فرصتی برای همگرایی بیشتر و تلائم اندیشه‌ای پدید می‌آورد.

نتیجه

در پی یافتن ریشه‌های مهاجرت علی بن محمد باقر علیه السلام، دو قرینه «ترویج اندیشه‌های امام محمد باقر علیه السلام» و «زمینه مساعد تاریخی - تمدنی کاشان» مورد توجه قرار گرفت. آزادی بی‌حد و حصر یهودیان در اواخر عصر اموی، نتایجی همچون گسترش جنبش‌های سیاسی مذهبی یهود را در پی داشت. از پیامدهای این جنبش در جامعه اسلامی، گسترش شبهات و مناقشات فکری یهود علیه اسلام بود. در همین زمینه، غلبه فکری یهود در مناطق مرکزی ایران و کاشان، زمینه‌ای ایجاد نمود که یهودیان، کاشان را اورشلیم دوم نامیدند. تغافل خلفای اموی از خطر یهود و شبهات آنها در جامعه اسلامی، امام باقر علیه السلام را به اتخاذ رویکرد علمی و آغاز نهضت فرهنگی علیه یهودیان واداشت. از سوی دیگر، پیشینه فرهنگی مردم کاشان و علاقه وافر آنها به اهل بیت علیهم السلام، مراجعه ایشان به سوی امام و تقاضای معرفی نماینده را در پی داشت.

در چنین فضای فرهنگی - اجتماعی - سیاسی، ابوالحسن علی بن محمد با دعوت اهالی کاشان، از طرف امام باقر علیه السلام برای ترویج اندیشه ایشان با رویکرد وحدت‌بخشی فعالیت‌های عقیدتی - سیاسی شیعیان مُتَنظَر و دفع شبهات یهود، مأموریت یافت. در طول سه سال حضور امامزاده علی، استقبال مردم منطقه و کاشان از ارشادات و فعالیت‌های تبلیغی ایشان، علاوه بر نگرانی یهودیان منطقه، زمینه همگرایی حاکمان اموی با آنها را ایجاد کرد و منجر به شهادت مظلومانه ایشان در اردیبهشت گردید. این واقعه به‌رغم خواست عاملان آن، علاوه بر تعمیق محبت به اهل بیت علیهم السلام، گسترش اندیشه تشیع و بالندگی عقیدتی - سیاسی شیعیان منطقه را در پی داشته است.

منابع

- آل بحر العلوم الطباطبایی، جعفر، *تحفه العالم فی شرح خطبه المعالم*، ج ۲، تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۱۰ق.
- ابابان، قوم من: *تاریخ بنی اسرائیل*، تهران: یهودا بروخیم، ۱۳۵۸ش.
- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، *شرح نهج البلاغه*، ج ۱۴، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، قم: مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، بی تا.
- ابن اعثم کوفی، احمد بن اعثم، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، طبعه اولی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، ج ۴، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، طبعه اولی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل، *سفرنامه ابن حوقل: ایران در صورت الارض*، ترجمه شعار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ش.
- ابوالشیخ، عبدالله بن محمد، *طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها*، ج ۱، بیروت: مؤسسه الرساله، بی تا.
- ابوالفرج الاصفهانی، علی بن الحسین، *مقاتل الطالبین*، قم: دارالکتاب، ۱۳۸۵ش.
- اذکایی، پرویز، *درگزین تا کاشان*، چاپ دوم، کاشان: سوره تماشاء، ۱۳۹۲ش.
- اردبیلی، محمد بن علی، *جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الأسناد*، ج ۱، بیروت: دار الاضواء، بی تا.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، *عوامل العلوم و المعارف من الایات و الاخبار و الاقوال: مستدرک سیده النساء الی الامام الجواد*، تحقیق محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۱۳ق.
- البلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، ج ۳ و ۵، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، طبعه اولی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.
- بیرشک، ثریا، «چگونگی روند توسعه و تکامل شکل گیری کاشان در بستر تاریخ»، *مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی*، ج ۳، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶ش.

- حسینی، سیدمحمد، خیزش قالی شورون، چاپ دوم، بی‌جا: مؤلف، ۱۳۹۶ش.
- حسینی زرباطی، حسین، بغیه الحائر فی احوال اولاد الامام الباقر علیه السلام، قم: مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۶ق.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۱، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳ش.
- خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۴، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم: دهقانی (اسماعیلیان)، بی‌تا.
- دینوری، احمد بن داوود، اخبار الطوال، ترجمه صادق نشأت، تهران: بی‌نا، ۱۳۴۶ش.
- ذهبی، شمس‌الدین، تذکره الحفاظ، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ش.
- راوندی کاشانی، فضل‌الله بن علی، دیوان السید الامام ضیاء‌الدین ابی‌الرضا فضل‌الله الحسنی الراوندی القاسانی، تصحیح جلال‌الدین ارموی، تهران: مطبعه المجلس، ۱۳۷۴ش.
- رجبی، پرویز، کاشان: نگین انگشتری تاریخ ایران، تهران: پژوهاک کیوان، ۱۳۸۸ش.
- زبیری، مصعب بن عبدالله، نسب قریش، تصحیح لوی پرونسال، مصر: دار المعارف، ۱۹۷۶م.
- زجاجی مجرد، مجید، سفیر ولایت: حضرت علی بن محمد الباقر علیه السلام را بیشتر بشناسیم به ضمیمه گزارشی کوتاه پیرامون امامزاده و الامقام حضرت امامزاده حسین علیه السلام، تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۱ش.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، ج ۱۳، حیدرآباد: مطبعه مجلس، ۱۴۰۲ق.
- الشبستری، عبدالحسین، الفائق فی رواه و أصحاب الإمام الصادق علیه السلام، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ق.
- شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ج ۱، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- طوسی، محمد بن حسن، رجال، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- عابدینی اردهالی، سیدحسین، خورشید اردهال، تهران: سفیر اردهال، ۱۳۸۸ش.
- عاطفی، افشین، تذکره سلطان‌علی: دو رساله در زندگی و شهادت حضرت سلطان‌علی بن محمد باقر علیه السلام، تصحیح افشین عاطفی، قم: نسیم حیات / تهران: دعوت،



- ۱۳۸۴ش.
- علی، سیدامیر، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: کمیسیون معارف، ۱۳۲۰ش.
- الغفاری، الشیخ عبدالرسول، الکلینی و الکافی، طبعه الاولی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- غنوی، امیر، «طرح اندیشه مهدویت از سوی امام باقر علیه السلام»، مشرق موعود، شماره ۲۸، ۱۳۹۲.
- فرخ یار، حسین، مجموعه تاریخی مذهبی مشهد اردهال، تهران: هیئت امنای سلطان علی بن محمد باقر علیه السلام، ۱۳۶۹ش.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض: معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض «بعض فضائح الروافض»، تصحیح میرجلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش.
- قمی، عباس، الکنی و الاقناب، ج ۲، نجف: مطبعه الحیدریه، ۱۳۷۶ش.
- قمی، عباس، منتهی الامال: زندگی چهارده معصوم علیهم السلام، تهران: بهزاد، ۱۳۸۱ش.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم، تاریخ کاشان، تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۱ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱ و ۳ و ۴ و ۸، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- کمونه حسینی، عبدالرزاق، مشاهد العتره الطاهره و اعیان الصحابه و التابعین، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۰۸ق.
- گوئل، کهن، بر بال خرد: جامعه یهودیان ایران و هفتاد سال رهبری مذهبی، کالیفرنیا: انتشارات بنیاد آموزشی خاخام یدیدیا شوفط، ۲۰۱۰م.
- گیرشمن، رومن، تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ دوم، تهران: سروش گستر، ۱۳۹۲ش.
- لوی، حبیب، تاریخ یهود ایران، ج ۲ و ۳، چاپ اول، تهران: کتابفروشی بروخیم، ۱۳۳۹ش.
- مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۷، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸ق.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین، میراث مکتوب شیعه، ترجمه سیدعلی قزایی و رسول

- جعفریان، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۸۳ش.
- مدنی، ملا عبدالرسول، زندگانی حضرت سلطانعلی علیه السلام و نائب خاص حضرت امام محمدباقر علیه السلام، طبع سوم، قم: چاپخانه علمیه، ۱۴۰۳ق.
- المسیری، عبدالوهاب، دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم، ج ۵، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۳ش.
- مغنیه، محمدجواد، تاریخ خلفاء بنی‌امیه و بنی‌عباس، ترجمه مصطفی زمانی، مشهد: کتابفروشی جعفری، ۱۳۴۱ش.
- مفید، محمدبن محمد، ترجمه ارشاد شیخ مفید، ترجمه حسن موسوی مجاب، قم: سرور، ۱۳۸۸ش.
- مقدسی، محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ج ۲، ترجمه علی نقی منزوی، چاپ اول، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ش.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبه، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- النمازی الشاهرودی، الشیخ علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۵، تهران: حیدری، ۱۴۱۵ق.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۴ق.
- هاشمی تبار بیدگلی، سیدحسین، نگینی بر انگشتر کویر، چاپ اول، آران و بیدگل: یاران مهدی علیه السلام، ۱۳۹۰ش.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ج ۴، طبعه الثانیه، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
- Fischel, Walter Josef & Netzer, Amnon; "Isfahan"; Encyclopedia Judaica, Vol.10; 2nd ed., Thomson : Gale; 2007.
- Fischel, Walter Joseph; "Persia"; Encyclopaedia Judaica, Vol.15; 2nd ed., Thomson : Gale, vol.15, 2007.
- Herzfeld, Ernest E. , Archeological History of Iran, London:British AcademyBritish Academy,1935.
- Levy, Habib; Comprihensive History of THE JEWS OF IRAN(the Outset of the diaspora); Translated by George W. Maschke; Costa mesa- California: Mazda, 1999.
- شناسه خبر: ۱۷۵۹۶۰۵، ۱۳۹۱/۹/۱۶، www.mehrnews.com